




University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Iranian Journal for the History of Islamic Civilization

Print ISSN: 2228 - 7906

Online ISSN: 2645 - 5110

The Emergence of 'Ashura Themes in the Silk Textiles of the Late Safavid Period

Mohammad Mashhadi Noosh Abadi¹ , Mohamad Reza Ghiasian² 

1. Department of Religions and Philosophy, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan (mmn5135@kashanu.ac.ir)

2. Department of Islamic Art, Faculty of Art and Architecture, University of Kashan (ghiasian@kashanu.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 25 September 2023
Received in revised form: 12 November 2023
Accepted: 26 December 2023
Published online: 10 January 2024

Keywords:
Hussainiyeh,
Imam Hussain,
Safavid Sultan Hussain
Shiite Art,
Silk Textiles.

ABSTRACT

In museums and collections of Islamic art, there are silk textiles from the Safavid period that often bear inscriptions featuring the name of Imam Hussain. Despite their varying dimensions and potential diverse functions, most of these works have been classified as tomb covers without being examined collectively. This paper focuses on eighteen pieces, with ten of them dated between 1545 and 1740-41, specifically exploring examples from the eighteenth century. The research aims to address questions regarding the evolution of the content of inscriptions over time, its correlation with the Safavid period's history, as well as identifying the purpose and origin of these textiles. The investigation reveals that the production of these textiles aligned with the expansion of Muharram mourning practices, the construction of Husseiniyah buildings, and the establishment of endowments for Muharram rituals during the reign of Safavid Sultan Hussain. Until around 1710, Shiite references in the textiles were mainly expressed through *shalawat-i kabira* and a focus on Imam Ali, but afterwards, the prominence shifted to Imam Hussain's name. Through written sources, book paintings, and analysis of the textile inscriptions, it can be concluded that most of these textiles, particularly mourning banners (*'alam*), were likely created by artists from Kashan.

Cite this article: Mashhadi Noosh Abadi & M., Ghiasian M R. (2024). The Emergence of 'Ashura Themes in the Silk Textiles of the Late Safavid Period. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 56(1), 37-62.
DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427

Publisher: University of Tehran Press.

تجلی مضامین عاشورایی در منسوجات ابریشمی اواخر دوره صفوی

محمد مشهدی نوش آبادی^۱، محمدرضا غیاثیان^۲ ✉

۱. گروه ادیان و فلسفه، دانشکده ادبیات دانشگاه کاشان، رایانامه: mmn5135@kashanu.ac.ir
 ۲. گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، رایانامه: ghiasian@kashanu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰</p> <p>کلید واژه‌ها: امام حسین(ع)، پارچه ابریشمی، حسین صفوی، حسینیه، شاه سلطان، هنر شیعی.</p>	<p>در موزه‌های هنر اسلامی، گروهی از منسوجات ابریشمی کتیبه‌دار دوره صفوی یافت می‌شود که به‌طور عموم دربردارنده نام امام حسین(ع) هستند. این آثار، تاکنون به‌صورت گروهی بررسی نشده‌اند و باوجود ابعاد بسیار متفاوت و کاربردهای گوناگونی که برای آنها می‌توان تصور کرد، کم‌وبیش، تمام آنها قیرپوش معرفی شده‌اند. در این مقاله، هجده قطعه بررسی می‌شوند که ده نمونه از آنها تاریخ‌دار هستند و در میان سال‌های ۹۵۲ تا ۱۱۵۳ ق بافته شده‌اند. این پژوهش یا تمرکز بر نمونه‌های سده دوازدهم، در پی پرسش‌هایی مانند شناسایی تغییرات محتوایی کتیبه‌ها در گذر زمان و ارتباط آن با تاریخ دوره صفوی، و نیز تعیین کاربرد و محل بافت این آثار است.</p> <p>بررسی‌ها نشان داده که بافت این پارچه‌ها با توسعه عزاداری‌های محرم، ساخت حسینیه‌ها و ایجاد موقوفات برای آیین‌های محرم در دوره سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) مقارن است. تا قبل از حدود سال ۱۱۲۰ ق دلالت‌های شیعی در منسوجات، به‌طور معمول در قالب صلوات کبیره و تأکید بر علی(ع) است، اما پس از آن نام حسین(ع) در آنها مرکزیت یافته است. با توجه به اسناد مکتوب، تصاویر نگارگری و نیز محتوای کتیبه‌ها، کاربرد بیشتر آنها علم، به‌ویژه علم عزا بوده است. بر اساس تحلیل متون کتیبه‌ها، می‌توان گفت که این پارچه‌ها به‌طور عموم از هنرمندان کاشانی است و به‌طبع باید محل بافت بیشتر آنها کاشان باشد.</p>
<p>استناد: مشهدی نوش آبادی، محمد و غیاثیان محمدرضا (۱۴۰۲). تجلی مضامین عاشورایی در منسوجات ابریشمی اواخر دوره صفوی. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۶ (۱)، ۳۷-۶۲. DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427</p>	
<p>© نویسندگان. ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. DOI: 10.22059/jhic.2023.364112.654427</p>	



مقدمه

یکی از مواد فرهنگی که در دنیای اسلام در خدمت اهداف مذهبی به کار گرفته شد، منسوجات کتیبه‌دار است که از سده‌های اولیه به بعد کاربردهایی چون کفن و طراز داشته‌اند (نک. Ackerman, 1977: pls. 982-993 و Mackie, 2015: 47-63). با مرور اشیاء نگهداری شده در موزه‌ها، گروهی از پارچه‌های ابریشمی دوره صفوی با کاربری دینی جلب توجه می‌کنند. این پارچه‌ها در دسترس محققان بوده‌اند، اما تاکنون هیچ‌گاه به صورت گروهی بررسی نشده‌اند. در متونی که برخی از این نمونه‌ها به صورت تکی معرفی شده، تاحدودی تمام آنها قبرپوش خوانده شده‌اند، این در حالی است که آنها ابعاد بسیار متفاوتی دارند و با توجه به متون کتیبه‌ها، بدون شک کاربری‌های دیگری نیز داشته‌اند. محتوای کتیبه‌ها، شامل آیات قرآن، اسماء الحُسنى، اسامی چهارده معصوم، دعاهای شیعی، اسامی واقفان و هنرمندان، اذکار، احادیث و اشعار فارسی است.

در میان هجده قطعه گردآوری شده (کامل و ناقص)، ده نمونه تاریخ‌دار هستند و در میان سال‌های ۹۵۲ تا ۱۱۵۳ ق بافته شده‌اند و مابقی نمونه‌ها نیز به سبب مشابهت سبکی، قابلیت تاریخ‌گذاری در سده دوازدهم هجری را دارند. نمونه‌های متعلق به سده‌های دهم و یازدهم هجری، شامل یک پارچه مورخ ۹۵۲ ق و دو پارچه مورخ ۱۰۸۰ ق است که هر سه در زمره فاخرترین زربفت‌های کتیبه‌دار تولید شده در ایران هستند که برای مرقد امام رضا(ع) بافته شده‌اند. نمونه‌های سده دوازدهم، زربفت نیستند و فراوانی آنها نشان داده که به سفارش دیگر طبقات جامعه بافته و وقف مراکز مذهبی می‌شدند. این مقاله بر این گروه از منسوجات سده دوازدهم و تغییر محتوای مذهبی آنها در گذر زمان متمرکز می‌شود.

پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر، این است که درون‌مایه کتیبه‌های منسوجات ابریشمی صفوی چیست و چه تطوری را در گذر زمان طی کرده‌اند؟ چه ارتباطی میان تغییرات محتوایی کتیبه‌ها و تاریخ دوره صفوی وجود دارد؟ کاربرد اصلی این نفایس کتیبه‌دار چه بوده و در کجا بافته شده‌اند؟

نمونه‌های بررسی شده در این مقاله با مرور صدها جلد بروشور حراجی‌های لندن از سال ۱۹۸۰ م تاکنون، و نیز تارنماهای موزه‌ها و سایر منابع مکتوب گردآوری و به روش توصیفی-تاریخی تحلیل و تبیین شده‌اند. افزون بر منابع کتابخانه‌ای، یکی از نمونه‌ها از طریق مطالعه میدانی به‌تازگی به‌واسطه نگارندگان یافت شده است.

پیشینه پژوهش

حسین عمادزاده در بخشی از کتاب زندگانی حضرت امام علی ابن موسی الرضا(ع) به سه پارچه زربفت در موزه آستان قدس اشاره کرده و کتیبه‌های آنها را خوانده است (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۲-۲۶۸). زهرا

محسنی نیز در کتاب شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: ضریح پوش‌ها و صندوق‌ها، یکی از نمونه‌های مورد مطالعه در این مقاله را معرفی کرده است. گرچه، به تحلیل محتوای کتیبه‌ها نپرداخته است (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۴-۳۰). فاطمه مهرابی و بهروز عوض‌پور در مقاله‌ای به اشتباه، یک غلم عزا را به عنوان «مقبره‌پوش دوره صفوی» در نظر گرفته و به تحلیل رنگ‌های آن با تکیه بر آراء علاءالدوله سمنانی پرداخته‌اند (مهرابی و عوض‌پور، ۱۳۹۸، ۲۴۱). آنان بدین نتیجه رسیده‌اند که «مقبره‌پوشی که با این نظام و رنگ‌ها طراحی و تولید شده، به‌طور تمثیلی نمایانگر بخشی از سفر روحانی انسان به سوی پروردگار است که از پیش در جریان بوده و گویی مدتی با حیات جسمانی انسان به‌وقفه افتاده و با گذشتن از جسم دوباره آغاز می‌شود» (مهرابی و عوض‌پور، ۱۳۹۸، ۲۴۱). اما، اکنون شواهد محکمی در دست داریم که آن پارچه را یک غلم عزا بدانیم که در ادامه تبیین می‌شود.

محققان غربی در بروشورهای آثار محفوظ در موزه‌های مختلف، توصیف‌های مختصری درباره یک اثر خاص ارائه نموده‌اند و آنها را قبرپوش خوانده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به کلد فن فولزاک و آن‌ماری پرنستد (Folsach & Bernsted, 1993: 28, 117-118)، محمد آقاوگلو (Ağa-Oğlu, 1941: 38)، شیلا کنبی (Canby, 2009: 238) و لوییس مکی (Mackie, 2015: 384) اشاره کرد. آنتونی ولش نیز در کتاب خوشنویسی در هنرهای دنیای مسلمانان دو نمونه از این منسوجات را به‌اختصار معرفی کرده است (Welch, 1979: 150-151, 154-155). بنابراین، تاکنون هیچ پژوهش عمیقی درباره این گروه از منسوجات مهم دوره صفوی انجام نشده است و در این مقاله برای نخستین بار، کاربرد و محتوای کتیبه‌های آنها بررسی و تحلیل می‌شود.

۱. نمونه‌های قبل از سده دوازدهم هجری قمری

در میان نمونه‌های پیش از سده دوازدهم باید به سه پارچه زرین در موزه آستان قدس اشاره کرد. نمونه اول صندوق‌پوش زرینت مقبره امام رضا(ع) است که در سال ۹۵۲ق/۱۵۴۵-۱۵۴۶م میرنظام کاشانی آن را در رشت بافته و واقف شخصی به نام حاجی‌اسوار لاهیجی بوده است (تصویر ۱). کتیبه نام بانی بدین شرح است: «کرده است این تحفه نظر (نذر) مرقد شاه جهان / کالجار حاجی‌اسوار از دیار لاهیجان». نام بافنده نیز بدین دو صورت آمده است: «شد به توفیق حی سبحانی، عمل میرنظام کاشانی» و «عمل میرنظام، کار رشت، سنه ۹۵۲» (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۸).

این اثر به‌شکل مکعب-مستطیل و از دو قطعه ساخته شده است: یکی برای رویه به‌ابعاد ۲۲۰×۱۲۰ سانتی‌متر و دیگری برای دیواره‌ها به‌ابعاد ۶۳۵×۱۵۰ سانتی‌متر. طرح کلی این پارچه، شامل راه‌راه‌های عمودی موسوم به «محرّمات» در رنگ‌های مختلف است. در کتیبه‌های نوار محرّماتی دعای شیعی نادعلی، اسماء «یا الله، یا محمد، یا علی» و نام‌های واقف و بانی آمده است. این نوارها با نقوش اسلیمی،

ختایی و پرندگان به رنگ‌های مختلف تزیین شده‌اند. چهار کتیبه افقی حاوی آیات سوره فتح به‌مثابه حاشیه‌هایی در بالا و پایین دیواره‌ها، نوارهای محرمان را قطع کرده‌اند.



تصویر ۱. صندوق پوش زربفت مقبره امام رضا (ع)، ۱۵۰×۱۲۰×۲۲۰ سانتی‌متر، ۹۵۲ق/ ۱۵۴۵-۱۵۴۶م، موزه آستان قدس رضوی (محسنی، ۱۳۹۳: ۲۶).

نمونه دوم پارچه‌ای زربفت به ابعاد ۳۱۴×۱۰۱ سانتی‌متر است که به سفارش شاه سلیمان صفوی (حک ۱۰۷۷-۱۱۰۵ق/ ۱۶۶۶-۱۶۹۴م) در سال ۱۰۸۰ق/ ۱۶۶۹-۱۶۷۰م بافته شده است (تصویر ۲). این اثر با رنگ‌بندی مشابه نمونه قبلی، ۳۳ نوار محرمان دارد و بدین سبب که در گذشته از آن به‌عنوان بیرق استفاده شده است، از بالا و پایین نقصان دارد (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۲). در این اثر، کتیبه‌های فراوان قرآنی، حدیث، دعایی و شعر به‌خطوط ثلث، نستعلیق و کوفی معقلی با ظرافت تمام بافته شده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به آیه‌الکرسی، آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس...»، صلوات کبیره، دعای نادعلی، «یا دلیل المتحیرین یا غفار الذنوب و ستار العیوب»، دعای «اللهم انی أسالک بأن لک الحمد...»، «تیمنا بذکر الرحمن الرحیم الکریم جلاله»، «تیمنا بذکر الغفور الرحیم...»، «... مالک یوم الدین الحمد لله رب العالمین»، «علی ولی الله»، «یا عزیز یا حکیم» و «یا محمد، [یا] علی» اشاره نمود. نام کاتب بدین صورت ثبت شده است: «کتبه محمدرضا الامامی» (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۲). محمدرضا از خطاطان مشهور ثلث‌نویس است که آثار او در ایوان‌های آستان و کتیبه‌های میناکاری گنبد طلا بر جای مانده

است. وقفنامه در سه بیت درج شده است. بیت اول به نام پادشاه در دو قاب درشت، و ابیات بعدی شامل ماده تاریخ در چهار قاب کوچک با قلم ریزتر آمده‌اند: «صاحب دوران سلیمان پادشاه / آنکه باشد دولت و بختش بکام / کرد نذر مشهد شاه رضا / شده (شده‌ای) از روی اخلاص تمام / کرد طاهر بهر تاریخش رقم / از سلیمان شده شد وقف امام " ۱۰۸۰».

در سال ۱۹۳۸ فیلیس اکرم، هر دو قطعه زربفت مذکور را در کتاب سیری در هنر ایران چاپ کرده است (Ackerman, 1977: pls. 1083, 1084). از آنجا که کاربرد قطعه دوم بر او نامعلوم بوده، آن را نیز قبریوش دانسته است و بدین سبب، تاحدودی، تمام منسوجات ابریشمی کتیبه‌دار صفوی که از آن زمان تاکنون به خارج از کشور راه یافته، قبریوش معرفی شده‌اند؛ اما شاه سلیمان در پارچه نذر شده، دو بار کلمه «شده» به معنای علم و بیرق را ذکر کرده است. با توجه به اینکه واقف شاه سلیمان بوده، اکرم این پارچه را به اصفهان یعنی پایتخت منسوب کرده است. اما تخلص «طاهر» در شعر مذکور بر ما شناخته شده است و احتمال بافت این پارچه در کاشان را قوی‌تر می‌کند. این تخلص به محمدطاهر نقاش کاشانی، شاعر، نقش‌بند پارچه و خوشنویس متعلق است که یازده سال پس از بافت این اثر (۱۰۹۱ق/۱۶۸۰م) در کاشان درگذشت و سنگ قبرش نیز حفظ شده است (غیاثیان و اسدی‌چیمه، ۱۳۹۹: ۱۰-۱۱).



تصویر ۲. بخش‌هایی از یک پارچه زربفت، ۱۰۸۰ق/۱۶۶۹-۱۶۷۰م، موزه آستان قدس (Ackerman, 1977: pl. 1084).

شاه سلیمان، شده دیگری را نیز در همان سال ۱۰۸۰ق به آستان وقف کرده که به آیات سوره فتح، «نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین (صف: ۱۳) یا محمد یا علی خیر البشر» و «علیاً ولی الله حقاً

حقاً مزین است. سه بیت شعر نیز در قاب‌بندی‌هایی مشابه نمونه پیشین حاوی نام بافنده، شاعر و واقف آمده است «بافت حسب الحکم شه این شده را/ حاتم از بهر علی موسی الرضا/ طبع مسعود از گل وصفش شکفت/ این دو مصرع از پی تاریخ گفت/ کرد وقف از وحی و توفیق اله/ شده زرین سلیمان پادشاه، ۱۰۸۰» (عمادزاده، ۱۳۶۰: ۲۶۳).

۲. نمونه‌های سده دوازدهم

۲-۱. پرچم مورخ ۱۱۰۷ق عمل اسماعیل کاشانی

یک پرچم مثلی زربفت بزرگ در موزه هنر متروپولیتن نگهداری می‌شود که اسماعیل کاشانی آن را در سال ۱۱۰۷ق/ ۱۶۹۵-۱۶۹۶م بافته است (تصویر ۳). در یک قاب بزرگ لوزی شکل در مرکز پارچه، آیات سوره نصر (بسمله و سه آیه) و تاریخ ۱۱۰۷ آمده است. در فضاهای خالی اطراف این قاب مرکزی، پنج قاب کوچک‌تر در اشکال مختلف قلبی و بادامی طراحی شده‌اند. کتیبه‌های این قاب‌ها، به ترتیب از راست به چپ و از بالا به پایین عبارت‌اند از: «إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِن جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات: ۱۷۲-۱۷۳)، «و کفی بالله وکیلا» (احزاب: ۳)، «یا مفتح الابواب» و «یا رفیع الدرجات». طرفه درج تاریخ شروع (۱۱۰۶) و پایان (۱۱۰۷) به دو صورت ماده تاریخ و رقمی در یکی از این قاب‌هاست که نشان می‌دهد نقش‌بندی و بافت این پرچم ماه‌ها طول کشیده است: «رایت فتح ابد" ۱۱۰۶ / کردند تاریخ شروع/ "رایت نصر من الله" ۱۱۰۷/ بهر اتمامش علم. عمل العبد اسماعیل کاشانی». تمام کتیبه‌ها به خط ثلث بر زمینه طلایی هستند، به استثنای کتیبه شعر و رقم هنرمند که به نستعلیق است.

کهن‌ترین نمونه‌های تصویری پرچم‌ها در هنر ایران به نقاشی‌های جامع‌التواریخ، به ویژه بخش تاریخ غزنویان در نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه ادینبرو برمی‌گردد که البته هیچ‌کدام از این پرچم‌ها، کتیبه‌دار نیستند.^۱ جنس پرچم‌ها معمولاً از ابریشم بوده و در شاهنامه نیز عبارت «پرنیانی درفش» بارها تکرار شده است (Melikian-Chirvani, 1988).

بیرق‌های کتیبه‌دار زیادی از قلمرو عثمانی بر جای مانده که کاربری‌های نظامی و مذهبی داشته‌اند (Denny, 1974: 67-81). این در حالی است که بیرق‌های کتیبه‌دار ایرانی نسبتاً نادر هستند. بیرق موزه متروپولیتن با توجه به دارا بودن کتیبه‌ای از سوره صافات (همانا ایشانند که پیروزند و همانا سپاه ماست که پیروز است) و نیز عبارت «رایت فتح» کاربری نظامی داشته است. این فرضیه، با تصاویر شاهنامه طهماسبی تقویت می‌شود که در یکی از نگاره‌ها، دو پرچم مثلی کتیبه‌دار به رنگ‌های قرمز و سبز ترسیم شده‌اند (تصویر ۴). در قاب میانی پرچم قرمز عبارت «نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین، یا محمد

۱. برای نگاره‌های این نسخه، نک. Rice, 1976.

یا علی» نوشته شده و نوک پرچمها به توغهای فلزی منتهی می‌شود. در یکی دیگر از نگاره‌های همین نسخه، پرچمی آبی‌رنگ با عبارت یکسان دیده می‌شود، با این تفاوت که پس از «یا علی»، «خیر البشر» آمده است (تصویر ۵).



تصویر ۵. بخشی از نگاره «کشته شدن شیده توسط کیخسرو»، شاهنامه طهماسبی، گ ۳۶۰، تبریز، نیمه نخست سده ۱۰ق، موزه هنرهای معاصر تهران (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

تصویر ۴. بخشی از نگاره «کشتن قارن بارمان را»، شاهنامه طهماسبی، تبریز، نیمه نخست سده ۱۰ق، مجموعه خصوصی (Welch, 1976: 138).

تصویر ۳. پرچم زربفت، ۱۱۰۷ق/۱۶۹۵-۱۶۹۶م، ۸۹×۱۷۹ سانتی‌متر، موزه هنر متروپولیتن (شماره: ۱۹۳۸، ۳۸، ۱۶۷).

۲-۲. پارچه ابریشمی مورخ ۱۱۱۰ق

در این پارچه در فواصل منظم، کتیبه‌های تکرارشونده از «إنا فتحنا لك فتحاً مبیناً» آمده‌اند (تصویر ۶). در هر ردیف، هشت مرتبه این آیه نوشته شده است. دو ردیف از این کتیبه‌ها در کنار هم چسبیده و در بالا و پایین آنها کتیبه‌های تکرارشونده از بسمله و تاریخ ۱۱۱۰ آمده است. در بالا و پایین این نوار کتیبه‌ها، فضاهای مربع-مستطیلی بزرگ و بدون نوشتار به رنگ قرمز آمده است. کتیبه‌ها به رنگ‌های زرد، سبز، مشکی و نباتی است.



تصویر ۶. پارچه ابریشمی و بخش بزرگ‌شده‌ای از آن، ۱۱۱۰ ق/۱۶۹۸-۱۶۹۹ م، ۲۷۴×۷۵ سانتی‌متر (Christie's, 2008: 166-167, lot 190).

۲-۳. دو پارچه مورخ ۱۱۲۲ ق

از مجموعه پارچه‌هایی که در این مقاله معرفی می‌شوند، این نخستین نمونه تاریخ‌دار با کتیبه‌ای به‌نام امام حسین (ع) است (تصویر ۷). در این پارچه، جدولی با هشت ردیف و چهار ستون طراحی شده است. هر کدام از خانه‌های این جدول، قاب‌بندی شده و در میان هر قاب عبارت «یا امام حسین شهید ۱۱۲۲» به‌خط نستعلیق و به‌شیوه مثنی‌نویسی آمده است. در بالا و پایین این جدول، یک نوار افقی با قاب‌های تکرارشونده از عبارت «یا محمد» دیده می‌شود. در حاشیه‌های عمودی چپ و راست نیز قاب‌هایی از «نصر من الله و فتح قریب» تکرار شده است. حاشیه‌های عمودی به‌رنگ‌های زرد و قرمز، و سایر بخش‌ها به‌رنگ‌های زرد و سبز است. پارچه بدون تاریخ دیگری با همین نقشه بر ما شناخته شده است، با این تفاوت که به‌جای رنگ سبز در آن از رنگ آبی استفاده شده و بدون کتیبه‌های «نصر من الله» است (تصویر ۸).



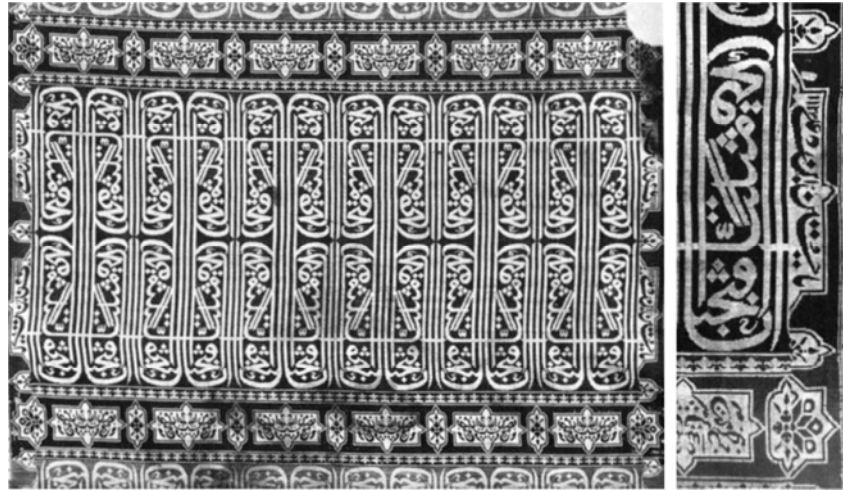
تصویر ۷. پارچه ابریشمی، ۱۱۲۲ق/۱۷۱۰-۱۷۱۱م، ۹۰×۵۹. تصویر ۸. پارچه ابریشمی، حدود سال ۱۱۲۲ق، ۸۲×۶۸ سانتی متر (Christie's, 2013: 56, lot 112).
 سانتی متر، قبلاً در مجموعه سم فگ^۱ (URL 1).

۲-۴. پارچه مورخ ۱۱۲۳ق

در موزه تاریخ منسوجات^۲ در شهر لیون، پارچه‌ای به تاریخ ۱۱۲۳ق نگهداری می‌شود که آنتونی ولش آن را معرفی کرده است (Welch, 1979: 154-155). در این پارچه به شیوه‌ای بسیار ماهرانه، شبکه‌ای درهم تنیده از عبارت «إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً» به صورت مثنی‌نویسی طراحی شده است (تصویر ۹). این طرح شبکه‌ای با کشیدن الف‌ها در عبارت قرآنی فوق ایجاد شده است. در بالا و پایین این شبکه، قاب‌های تکرارشونده از «نصر من الله و فتح قريب» مشابه نمونه شماره ۲-۳ دیده می‌شود. در چپ و راست آن در قاب‌هایی عبارت «یا حسین ابن علی ۱۱۲۳» آمده است. طراحی چشمگیر این اثر به گونه‌ای است که نمی‌توان جهت خاصی برای آن متصور شد و نوشته‌ها از چهار جهت هستند.

1. Sam Fogg.

2. Musée Historique des Tissus.



تصویر ۹. پارچه ابریشمی، ۱۱۲۳ق/۱۷۱۱-۱۷۱۲م، ۲۱۳×۱۳۲ سانتی‌متر، موزه تاریخ منسوجات، لیون فرانسه (Welch, 1979: 154-155).

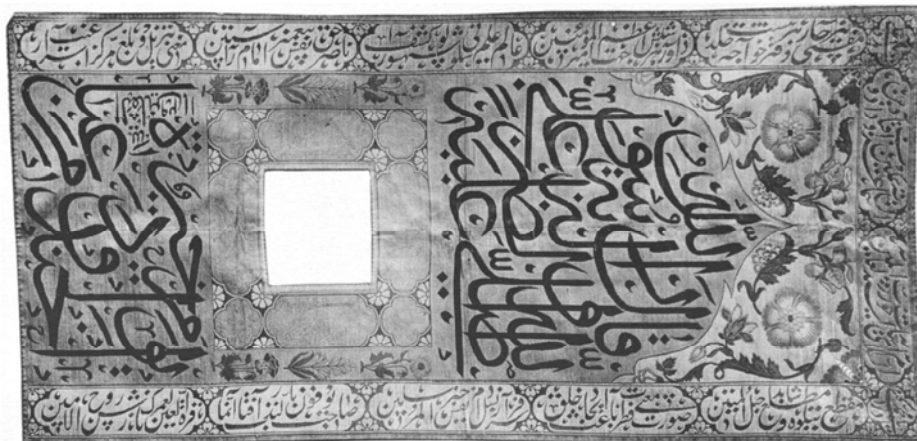
۲-۵. پارچه زربفت متعلق به حرم امام علی (ع) مورخ ۱۱۲۹ق

محمد آقاوگلو این پارچه را در سال ۱۹۴۱ در کتاب فرش‌ها و منسوجات صفوی در مجموعه حرم امام علی در نجف چاپ کرده است (Ağa-Oğlu, 1941: pl. XIX) و از وضعیت فعلی آن اطلاعی نداریم (تصویر ۱۰). تزیینات این پارچه محرابی شکل، شامل نقوش گل‌دار و کتیبه‌هایی به خط ثلث در مرکز، و نستعلیق در حاشیه است. در میان پارچه، درپچه‌ای مربعی با کاربری نامعلوم تعبیه شده است. کتیبه اصلی در زیر قوس محرابی چنین است: «قال رسول الله: لضربه علی يوم الخندق أفضل من عبادة الثقلين ۱۱۲۹». در حاشیه، شش بیت شعر درون دوازده قاب ثبت شده است که آقاوگلو شاعر آنها را نیافته است،^۱ اما در حقیقت، این اشعار، ابیات آغازین از هفت‌بند مشهور کمال‌الدین حسن بن محمود کاشی، شاعر شیعی اوایل سده هشتم هجری، در مدح امام علی (ع) است. محل بافت این پارچه نامعلوم است، اما ثبت اشعار حسن کاشی می‌تواند

۱. «السلام ای سایهات خورشید رب العالمین
مفتی هر چار دفتر، خواجه هر هشت خُلد
عالم علم سلوئی، شهسوار کو کشف
معنی تزییل و بلخ، مرکز اسرار غیب
صورت معنی فطرت، باعث ایجاد خلق
صاحب یوفنون بالتندر آفتاب انما

آسمان عز و تمکین، آفتاب داد و دین
داور هر شش جهت، اعظم امیرالمؤمنین
ناصر حق، نفس پیغمبر، امام راستین
مقطع یتلوه شاهد، مطلع جبل المتین
سر اصل نسل آدم، نفس خیرالمرسلین
قره العین لعمرك، نازش روح الامین»

یادآور کاشان به‌عنوان مکان احتمالی تولید آن باشد. در دو گوشه بالایی پارچه و در میان اشعار، فضاهای خالی وجود داشته که در آنها عبارات «یا محمد ادرکنی» و «یا علی مدد» آمده است.



تصویر ۱۰. پارچه زربفت، ۱۱۲۹ق/۱۷۱۶-۱۷۱۷م، ۱۰۲×۴۹ سانتی متر، حرم امام علی(ع)، نجف (Ağa-Oğlu, 1941: pl. XIX).

۲-۶. دو پارچه مورخ ۱۱۵۳ق

این دو قطعه به‌سبب دارا بودن نام‌های خطاط، بافنده، واقف و تاریخ، نسبت به سایر نمونه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد (تصاویر ۱۱ و ۱۲). بخش میانی پارچه به‌چهار ردیف تقسیم شده و در هر ردیف، قاب‌های بزرگی به‌خط ثلث آمده است. در میان این قاب‌ها، قاب‌های کوچک‌تری به‌خط نستعلیق جای گرفته‌اند. در میان کتیبه‌های ثلث ردیف اول (از بالا) و سوم عبارت «ناد علیاً مظهر العجایب» تکرار شده است. قاب‌های کوچک میان آنها به‌دو بخش تقسیم شده که در بالایی عبارت «کتبه محمد مومن» و در پایینی بسمله آمده است. کتیبه‌های ثلث ردیف‌های دوم و چهارم دربردارنده عبارت قرآنی «إذا جاء نصر الله و الفتح» هستند و در کتیبه‌های کوچک میان آنها عبارت «نصر من الله و فتح قریب» نوشته شده است. حاشیه‌های باریک بالا و پایین پارچه، قاب‌بندی شده و در هر قاب، عبارت «وقف نمود حاجیه خوانزاده بنته [بنت] قاسم ایبانیکی ۱۱۵۳[۱]» به‌نستعلیق آمده است. در انتهای پایینی پارچه، در یک نوار باریک نام هنرمند دیده می‌شود: «عمل محمدحسین بن حاجی محمد کاشانی.»

کِلْد فُن فولزاخ و آن‌ماری برنستد با توجه به نسبت کاشانی پدر بافنده و محتوای شیعی کتیبه‌ها، آن را به کاشان منسوب کرده‌اند، اما به‌طور قاطع درباره محل بافت آن اظهار نظر نکرده‌اند؛ چون پسوند ایبانیکی برای نام واقف که به روستای ایبانه در ۳۵ کیلومتری کاشان برمی‌گردد، از چشم آنان دور مانده است (Folsach & Bernsted, 1993: 28).



تصویر ۱۱. پارچه ابریشمی، ۱۱۵۳ق/۱۷۴۰-۱۷۴۱م، ۹۱×۱۱۸ سانتی‌متر، مجموعه دیوید (شماره ۳۰/۱۹۷۱)، کپنهاگ (Folsach, 2001: 381).
تصویر ۱۲. پارچه ابریشمی، ۱۱۵۳ق/۱۷۴۰-۱۷۴۱م، ۹۰×۱۱۲ سانتی‌متر (Christie's, 2013: 55, lot 111).

۲-۷. پارچه ابریشمی بدون تاریخ

در این پارچه در فواصل نسبتاً منظم، سه قاب مستطیلی قرمز رنگ آمده است که در میان هر قاب، نه مرتبه عبارت «قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: حسین منی و أنا من حسین» به همان رنگ قرمز دیده می‌شود (تصاویر ۱۳ و ۱۴). در بالا و پایین همین قاب‌ها، این حدیث به رنگ آبی بر زمینه نباتی رنگ جلوه‌گر است. در فضاهای بین قاب‌های قرمز، کتیبه‌های «إنا فتحنا لک فتحا مبینا» در سه رنگ نخودی، مشکی و فیروزه‌ای تکرار شده‌اند. هشت حاشیه باریک عمودی با تکرار بسمله به رنگ‌های متفاوت در میان کتیبه‌های فوق به چشم می‌خورد. در انتهای سمت چپ پارچه در یک نوار عمودی، یازده مرتبه نشان شیعی خمسه که از این دوران به بعد در علم عزای امام حسین(ع) کاربرد وسیع یافته، به رنگ نباتی بر پس‌زمینه قرمز آمده است و در میان هر کدام عبارت «الله ربی» نوشته شده است. کتیبه «إنا فتحنا» در منسوجات ابریشمی متعددی در آن زمان بافته می‌شد که قطعاتی از آنها در مجموعه‌های مختلف نگهداری می‌شود (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۳. پارچه ابریشمی، ۱۲۵×۳۸۹ سانتی‌متر (Sotheby's, 2009: 114-115, lot 115).



تصویر ۱۴. بخش‌هایی از تصویر ۱۳.



تصویر ۱۵. دو قطعه ناقص از منسوجات ابریشمی با کتیبه «اِنَّا فَتَحْنَا». راست: ۳۵×۴۰ سانتی‌متر، مجموعه خلیلی (شماره: TXT 74)، (Piotrovsky, 2000: 210). چپ: ۱۶×۵۳ سانتی‌متر (Christie's, 2014: 81, lot 79).

۲-۸. چند قطعه پارچه ابریشمی وقف امام حسین (ع)

در موزه هنر فیلادلفیا، پارچه‌ای نگه‌داری می‌شود که مشابه نمونه پیشین سه قاب مستطیلی قرمز دارد و در چهار طرف آنها کتیبه‌های نوشتاری به خط ثلث آمده‌اند (تصویر ۱۶). درون هر قاب، هفت مرتبه عبارت «نصر من الله و فتح قریب» خوانده می‌شود و در بالا و پایین این قاب‌ها، همین عبارت به رنگ سفید بر پس‌زمینه آبی خوانده می‌شود. تمام کتیبه‌ها به‌طور زیبایی با نقوش گیاهی قاب‌بندی شده‌اند. در فضاهای بین قاب‌های قرمز، کتیبه «الها تا حشر وقف حسین علی گردان» نه مرتبه از بالا تا پایین به دو رنگ آبی و سفید تکرار شده است. در ستون‌های میان کتیبه‌های «نصر من الله» و وقف‌نامه، قاب‌های تکرارشونده «یا حسین مظلوم» به رنگ زرد بر پس‌زمینه آبی دیده می‌شود. نکته در خور توجه این است که فقط کتیبه وقف‌نامه از این سمت پارچه خوانده می‌شود و دو کتیبه دیگر به‌صورت متعکس هستند و از پشت پارچه باید خوانده شوند. کتیبه وقف‌نامه، چندان پیچیده نوشته شده که تاکنون از طرف محققان خوانده نشده است. لوییس مکی و شیلا کنبی صرفاً اشاره کرده‌اند که حاوی نام امام علی و حسین است و در حقیقت کلمه «حشر» را «حسن» خوانده‌اند (Canby, 2009: 238; Mackie, 2015: 384).



تصویر ۱۶. پارچه ابریشمی وقف امام حسین (ع). ۹۰×۲۰۰ سانتی‌متر، موزه هنر فیلادلفیا (شماره ۱۹۲۲،۲۲،۹۰)

در زمستان سال ۱۴۰۰ش، نگارندگان پارچه‌ای مشابه نمونه موزه فیلادلفیا در روستای جوشقان استرک در ۲۰ کیلومتری کاشان کشف نمودند (تصویر ۱۷). این قطعه متشکل از دو پارچه به هم دوخته با عرض ۹۰ سانتی‌متر و طول تقریباً یکسان است که در مجموع ۴۹۱ سانتی‌متر طول دارد و اکنون در موزه منسوجات خانه منوچهری کاشان نگهداری می‌شود. علاوه بر کتیبه‌های پارچه فیلادلفیا، در اینجا کتیبه‌های بسمله نیز بافته شده است. بنابر مصاحبه میدانی با اهالی در محل کشف این پارچه تا حدود

صد سال قبل هنوز صنعت نساجی سنتی وجود داشته و هنوز آثار مخروبه‌ای از کارگاه «شومال‌بافی»^۱ برجاست. می‌دانیم که صنعت نساجی در منطقه کاشان صدها سال سابقه داشته و هزاران کارگاه پارچه‌بافی در شهر و روستاهای اطراف فعال بوده است.^۲ بنابراین، این پارچه بدون اطلاعاتی مانند تاریخ و محل بافت است، اما پیدایی آن در منطقه کاشان قرینه‌ای برای منسوب کردن این گروه از منسوجات به کاشان است. قطعه کوچکی از پارچه مشابه (تصویر ۱۸) به‌تازگی در حراجی کریستیز عرضه شده است (Christies's, 2022: lot 47) چه بسا، نمونه‌هایی از این اثر در مجموعه‌های دیگر باشد.



تصویر ۱۷. دو قطعه پارچه ابریشمی به هم دوخته شده، کشف شده در روستای جوشقان استرک، ۴۹۱×۹۰ سانتی‌متر، موزه منسوجات خانه منوچهری کاشان (نگارندگان، ۱۴۰۱).



تصویر ۱۸. بخشی از یک پارچه ابریشمی، ابعاد کل: ۵۲×۵۲ سانتی‌متر، حراجی کریستیز، لندن (Christies's, 2022: lot 47; URL 2).

۲-۹. پارچه‌ای با کتیبه «ای یادگار حیدر کرار»

طراحی این پارچه افقی به صورت ستون‌هایی است که در هر ستون، قابندی‌های کتیبه‌دار تکرار شده است (تصویر ۱۹). ستون‌ها به صورت یک‌درمیان پهن و باریک هستند. در تمام ستون‌های باریک، قاب‌های

۱. در این کارگاه، نخ‌های پنبه‌ای استحکام بخشی، شستشو و رنگ‌رزی می‌شده است. شومال را شوی‌مال، یعنی کسی که پارچه را آهار و جلا می‌دهد، معنا کرده‌اند (نک. دهخدا، ۱۳۳۸: ذیل واژه).
 ۲. برای تاریخ نساجی کاشان، نک. غیاثیان، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۹.

دوآری با مضمون «یا الله یا محمد یا علی» آمده‌اند. ستون‌های پهن به‌طور یک‌درمیان حاوی عبارت «إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً» و «ای یادگار حیدر کرار یا حسین» به‌صورت دوستونی هستند. رنگ غالب ستون‌ها به‌تناوب شامل سبز، قرمز و مشکی است. کتیبه «إنا فتحنا» مشابه نمونه‌های پیشین به ثلث و دو کتیبه دیگر به نستعلیق است. شعر درج شده در این پارچه، مصرع دوم یک بیت است («ای نور چشم احمد مختار حسین / ای یادگار حیدر کرار حسین») که در توغ مسجد چهاردرخت روستای جوشقان به‌تاریخ ۱۰۷۷ و غلم حسینیه در ده نوش‌آباد حک شده است (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۳) و نشان از رواج آن در منطقه کاشان دارد.



تصویر ۱۹. بخشی از یک پارچه به‌طول ۳۵۳ سانتی‌متر، موزه مدرسه طراحی رود آیلند^۱ (شماره: ۵۵، ۵۳۶)، (URL 3).

۲-۱۰. پارچه موزه ملی ایران

این پارچه بدون تاریخ دربردارنده کتیبه‌های بسمله، «نصر من الله و فتح قریب» و «إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً»، «یا حسین شهید» و «یا امام حسین شهید» است (تصویر ۲۰). دلیل نبود تاریخ در برخی از این پارچه‌ها این است که کاربرد گسترده داشتند و همه ساله بافته می‌شدند. این پارچه از نظر کاربست قاب‌های قرمز با نمونه‌های پیشین شباهت دارد، اما حاشیه‌های آن به‌رنگ سیاه طراحی شده است. از آنجا که در دوره صفوی برای رنگ مشکی از سولفات آهن استفاده می‌شد، الیاف مشکی در منسوجات این دوره در حال از بین رفتن هستند (محسنی، ۱۳۹۳: ۳۰). به‌همین سبب، برای استحکام بخشی پارچه، آن را بر پارچه‌ای نخودی‌رنگ دوخته‌اند.

1. Rhode Island School of Design Museum, Providence.



تصویر ۲۰. پارچه ابریشمی و بخشی از آن، موزه ملی ایران (شماره: ۲۰۲۲۳).

۳. بحث و تحلیل

۳-۱. مضامین کتیبه‌ها

کتیبه‌های منسوجات ابریشمی دوره صفوی مورد بررسی، متضمن محتوای مذهبی است و بیشتر شامل دسته‌ای از آیات قرآن با مضمون فتح و پیروزی، و نوشته‌های فارسی و عربی با محوریت حسین (ع) و علی (ع) و پس از آن محمد (ص)، اسماء الحُسَنی و صلوات کبیره است. آیات مربوط به فتح و نصرت شامل آیه سیزده سوره صف (هفت مورد)، آیه آغازین سوره فتح (شش مورد)، سوره نصر (یک مورد) و آیه آغازین آن (یک مورد) است. این گونه آیات در عَلم توغ‌های سده دوازدهم هجری زیاد کاربرد داشته است، با این تفاوت که در توغ‌ها، سوره نصر با بسامد بیشتری آمده است. دلیل آن نیز به نقش‌بندی پارچه‌ها برمی‌گردد که باید عبارات کوتاه در آنها تکرار می‌شد. آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره صافات، آیه سوم سوره فتح و بخشی از آیه سوم سوره احزاب نیز هر کدام در یک پارچه آمده‌اند که در نمونه‌های مشابه کمتر کاربرد دارد. در شده مورخ ۱۰۸۰ق همچنین آیه تطهیر موافق دیدگاه شیعه آمده است. آیه الکُرسی به سبب طولانی بودن فقط بر یک نمونه نقش بسته است. بافت متون طولانی بر این پارچه که کاری دشوار و پرهزینه بوده و لابد به سفارش اشخاصی چون شاه سلیمان مقدور بوده است. با وجود این، کثرت اسماء الحسنى و ادعیه و ذکرهای توحیدی که در شده مورخ ۱۰۸۰ چشمگیر است و در پارچه‌های دوره‌های بعد چندان بازتابی نیافته است.

اسماء الحسنى و صفات خداوند نیز روی دو پارچه بازتاب دارد که کم‌وبیش شبیه کتیبه‌هایی است که

در توغها و تزئینات معماری دوره صفوی مشاهده می‌شود. «یا الله یا محمد یا علی» نیز دو بار آمده که در غلم‌های ترسیم شده در نگارگری صفوی و نیز توغها قابل مشاهده است. در سه مورد نیز ترکیب محمد و علی آمده است. دعای نادعلی نیز که یکی از ادعیه پرکاربرد دوره صفوی است، سه بار در نمونه‌ها بازتاب یافته است. شش بیت شعر در منقبت امام علی(ع) نیز بر یکی از نمونه‌ها آمده است.

۲-۳. تولید منسوجات عاشورایی دوره سلطان حسین صفوی

در منسوجات بررسی شده به لحاظ محتوای کتیبه‌ای با دو نوع پارچه روبه‌رو هستیم: دسته‌ای که از سال ۹۵۲ آغاز و به ۱۱۱۰ ق ختم شده و دسته‌ای که از ۱۱۲۲ آغاز و به ۱۱۵۳ ق ختم می‌شود (جدول ۱). نکته در خور توجه درباره محتوای کتیبه‌های گروه اول این است که دلالت‌های شیعی در آنها به‌طور معمول در قالب صلوات کبیره و تأکید بر امام علی(ع) است. گروه دوم در کاربرد آیات نصرت اشتراک دارند،^۱ اما نام حسین(ع) در آنها مرکزیت یافته و حتی در نمونه‌هایی که برای مرقد امام رضا(ع) بافته شده نیز دیده می‌شود.

بنابراین، باید به دنبال اتفاقی باشیم که در این دوران در حوزه فرهنگ ایران رخ داده است. مهم‌ترین رخداد تاریخی، تقارن بافت این پارچه‌های ابریشمی با سلطنت شاه سلطان حسین (حک ۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق/۱۶۹۴-۱۷۲۲ م)، پادشاه ملایم، متشرع و آیین‌گراست که به‌برپایی آیین‌های محرم اهتمام زیادی داشته است. در بررسی اسناد موقوفه‌ای این دوران با نکته مهمی روبه‌رو می‌شویم و آن، گسترش شدید آیین‌های عزاداری محرم و ایجاد موقوفات فراوان برای برگزاری این آیین‌هاست.

گرچه صفویان برپایی آیین‌های عزاداری و بزرگداشت امام حسین(ع) و دیگر ائمه را از جمله اهداف مذهبی خود می‌دانستند و بنابر گزارش‌های متعدد سیاحان این دوره، در ایام عزاداری امام علی(ع) و امام حسین(ع) آیین‌های مختلف در ایران برگزار می‌شده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۵-۱۳۸؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۸۶، ۱۲۴-۱۲۵؛ تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۱۱، ۴۱۴؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۱۲؛ اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۷۴، ۱۱۲-۱۱۳؛ نیز نک. مظاهری، ۱۳۹۷: ۵۹-۲۱۴)، اما در دوره سلطان حسین، روزبه‌روز و سال به سال آیین‌ها توسعه می‌یافته است (جعفریان، ۱۳۷۳ ج ۱: ۴۶۴-۴۶۵). با توسعه عزاداری‌ها، ضمانت برگزاری سالانه آیین‌ها از جمله روضه‌خوانی مدنظر قرار گرفت و موقوفاتی مخصوص آن ایجاد شد. موقوفات عزاداری این دوران دو شکل داشت؛ برخی از آنها مخصوص عزاداری و برخی ضمن موقوفات دینی دیگر آمده است (نک. جعفریان، ۱۳۷۳ ج ۲: ۸۸۵، ۹۰۱-۹۱۲، ۹۲۲؛ احمدی، ۱۳۸۵: ۹-۱۲؛ دانش‌یزدی، ۱۳۸۷: ۲۵۱).

تاریخ ثبت موقوفات، یعنی سال‌های ۱۱۱۹ تا ۱۱۳۳ ق، نیز هم‌راستا با تاریخ کتیبه‌های آیینی محرم است (مشهدی نوش آبادی، ۱۴۰۱: ۲۸-۳۷). از سوی دیگر، در این دوران با ظهور عنصر حسینی در مرکز

۱. برای تحلیل آیات نصرت در کتیبه‌ها، نک. مشهدی نوش آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۶.

بافت شهری روبه‌رو هستیم. نخستین حسینیه‌های شناسایی شده به‌صورت معناداری به‌همان سال‌هایی مربوط است که منسوجات ابریشمی حسینی ظهور یافتند. وقف‌نامه‌های حسینیه‌های امیر چخماق یزد، قاضی آران و سرپُلک یزد، به‌ترتیب به‌سال‌های ۱۱۲۰، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ ق متعلق است (همان، ۳۱-۳۷). از طرفی، در نگاه به‌توغ‌های کتیبه‌دار عزاداری محرم که در واقع نوع مهمی از علم عزاست با تاریخ‌های مشابه روبه‌رو می‌شویم. این توغ‌ها به‌طور عمده از دوره سلطان حسین و مربوط به سال‌های ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۵ ق است (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۵۱).

۳-۳. کاربرد منسوجات مورد بررسی

درباره کاربرد این نوع منسوجات ابهاماتی وجود دارد. محققان غربی، تمام این نمونه‌ها (به‌جز پرچم مثلثی موزه متروپولیتن) را «قبرپوش»^۱ خوانده‌اند. شاید به‌سبب اینکه نخستین پارچه شناخته‌شده از این سبک، روی مزار امام رضا(ع) به‌کار رفته است. اگرچه می‌توان کاربردهایی مانند علم یا پرچم، تابوت‌پوش و حتی قبرپوش را فرض کرد، توجه به‌محتوای این منسوجات و همچنین ساختار هندسی برخی از آنان و کاربری گسترده آنها در آیین‌های مربوط به امام حسین(ع)، ما را بدین نکته رهنمون می‌کند که کاربرد اصلی آنها، علم عزاداری بوده است که ممکن است به‌اشکال مختلف به‌کار رفته باشد. دلایلی که کاربرد اصلی این منسوجات علم، به‌ویژه علم عزاست به شرح ذیل است:

الف. در دو پارچه وقفی شاه سلیمان صفوی برای مرقد امام رضا(ع) کلمه «شده» به‌معنای علم آمده است. ب. پارچه ابریشمی مثلثی مورخ ۱۱۰۷ ق ساختار علم یا پرچم دارد و در متن کتیبه آن نیز عنوان «رایت» آمده است و با علم‌های ترسیم‌شده در نگارگری صفوی شباهت دارد (تصاویر ۳-۵). ج. به‌طور معمول، درج آیات نصرت و فتح به‌سبب کاربرد علم است که در کارزارهای نظامی و تظاهرات آیینی کاربرد دارد.

د. شباهت کتیبه‌های این منسوجات با توغ‌ها و علم‌های دوره صفوی نشان‌دهنده کاربرد مشترک آنهاست (نک. مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۵۱).

ه. درج مکرر نام حسین(ع) در بیشتر این منسوجات، به‌ویژه در قالب وقف‌نامه («الها تا حشر وقف حسین علی گردان»)، نشان می‌دهد که این علم‌ها به‌عنوان نماد آیینی استفاده می‌شدند.

و. نمونه عینی کاربرد این نوع منسوجات در نگاره‌ای با موضوع سوگواری دیده می‌شود (تصویر ۲۱). شباهت نوع کتیبه‌کاری مسلم می‌دارد که آنها کاربرد آیینی داشته و از میله علم آویخته می‌شدند. در این نگاره، پارچه‌ای از همان نوع روی تابوت متوفی نیز انداخته شده، اما انداختن علم یا پرچم؛ اعم از ملی یا

1. Tomb cover.

مذهبی روی تابوت امری معمول است و هنوز هم کاربرد دارد.
ز). به طور معمول، این گونه پارچه‌ها که به قطع مستطیل دراز هستند، بر حول محور فلزی حلقه‌ای یا تخت مدور آویخته شده و به شکل استوانه‌ای درمی‌آمدند.^۱ نگارگری صفوی، نقاشی‌ها و عکس‌های علم‌های عزاداری دوران قاجار و اوایل پهلوی و نیز نوع علم‌های استوانه‌ای امروزی می‌تواند نوع آویختن این گونه پارچه‌ها را نشان دهد.
ح). با این اوصاف، از این پارچه‌ها نه تنها برای بستن بر چوب علم، بلکه برای آذین‌بندی مجلس عزای نیز استفاده می‌شده است. در کتاب کشیک‌خانه همایونی از اواخر دوره صفویه، ضمن بیان تجملات ایام محرم در اصفهان و کاشان به «آیین‌بندی زربفت و مخمل» در کاشان نیز اشاره شده است (کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).



تصویر ۲۱. بخشی از نگاره «مجلس سوگواری، مرقع گلشن، ص ۱۷۰، نیمه نخست سده ۱۱ق، گاخ گلستان (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۴۴).

۱. مانند حلقه بالای علم چهل گیسو (علم گیس)، نوعی علم که بر حلقه مدور آن دهها پارچه به صورت رشته‌ای می‌آویزند (نک. مشهدی نوش آبادی، ۱۳۹۵: ۱۷۰-۱۷۱).

۳-۴. محل بافت

به جز پارچه مورخ ۹۵۲ق که یک کاشانی آن را در رشت بافته، در کتیبه‌های هیچ کدام از نمونه‌ها، محل بافت ذکر نشده است؛ اما قراین بسیاری در دست است که بر بافت این نمونه‌ها در کاشان دلالت می‌کند: الف). پرچم مورخ ۱۱۰۷ق که عمل اسماعیل کاشانی است. ب). دو قطعه پارچه که «محمدحسین بن حاجی محمد کاشانی» آن را به سفارش یک واقف ایبانه‌ای («حاجیه خوانزاده بنته قاسم ایبانی») در سال ۱۱۵۳ق بافته است. ج). درج شعر حاوی ماده تاریخ سروده محمدطاهر، نقشبند پارچه و خوشنویس کاشانی بر پارچه زربفتی که در سال ۱۰۸۰ق شاه سلیمان صفوی آن را به بارگاه امام رضا(ع) وقف کرده است. د). کشف دو قطعه به هم دوخته شده از همین پارچه‌ها در روستای جوشقان استرک کاشان. ه). سابقه دیرین و شهرت کاشیان به شیعه‌گری و تولید آثار هنری شیعی مانند منسوجات، کاشی‌ها، سفالینه‌ها، سنگ‌های مزار و غیره نیز تقویت‌کننده انتساب این نمونه‌ها به کاشان است.

جدول ۱. مشخصات منسوجات ابریشمی کتیبه‌دار دوره صفوی

محل نگهداری	ابعاد	افراد	تاریخ	کتیبه‌ها	
آستان قدس	۲۲۰×۱۲۰×۱۵۰	واقف: حاجی اسوار لاهیجی. بافنده: میرنظام کاشانی	۹۵۲	سوره فتح، نادعلی، «یا الله، یا محمد، یا علی»	۱
آستان قدس	۳۱۴×۱۰۱	واقف: شاه سلیمان. کاتب: محمدرضا الامامی. شاعر: طاهر	۱۰۸۰	آیه الکرسی، «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس...»، صلوات کبیره، نادعلی، «یا دلیل المتحیرین...»، «اللهم انی اسالک...»، «تیمنا بذکر الرحمن...»، «تیمنا بذکر الغفور...»، «... مالک یوم الدین...»، «علی ولی الله»، «یا عزیز یا حکیم» و «یا محمد، [یا] علی»	۲
آستان قدس	۱۲۷×۱۰۳	واقف: شاه سلیمان صفوی. بافنده: حاتم. شاعر: مسعود	۱۰۸۰	سوره فتح، «نصر من الله... (صف: ۱۳) یا محمد یا علی خیر البشر»، «علیاً ولی الله حقاً حقاً» و سه بیت شعر	۳
موزه متروپولیتن	۸۹×۱۷۹	عمل اسمعیل کاشانی	۱۱۰۷	سوره نصر، «انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون»، «و کفی بالله وکیلاً»، «یا مفتاح الابواب»، «رایت فتح آید / کردند تاریخ شروع / رایت نصر من الله / بهر اتمامش علم»، «یا رفیع الدرجات»	۴
نامعلوم	۷۵×۲۷۴	-	۱۱۱۰	بسمله، «انّا فتحنا...»	۵

نامعلوم	۹۰×۵۹	-	۱۱۲۲	«یا امام حسین شهید»، «یا محمد»، «نصر من الله...»	۶
موزه منسوجات، لیون	۱۳۲×۲۱۳	-	۱۱۲۳	«إنا فتحنا...»، «نصر من الله...»، «یا حسین ابن علی».	۷
حرم امام علی ^(ع)	۴۹×۱۰۲	اشعار ملاحسن کاشی	۱۱۲۹	«قال رسول الله: لضربة على يوم الخندق...»، «یا محمد ادرکنی»، «یا علی مدد»، شش بیت شعر	۸
مجموعه دیوید	۹۱×۱۱۸	واقف: حاجیه خوانزاده ایبانیکی.	۱۱۵۳	«ناد علیا...»، «إذا جاء نصر الله و الفتح»، «نصر من الله...»	۹
نامعلوم	۹۰×۱۱۲	کاتب: محمد مومن. بافته: محمدحسین بن حاجی محمد کاشانی			
نامعلوم	۱۲۵×۳۸۹	-	-	«قال النبی(ص) حسین منی و أنا من حسین»، «انا فتحنا...»، «الله ربی»	۱۰
موزه فیلادلفیا	۹۰×۲۰۰	-	-	«نصر من الله...»، «الها تا حشر وقف حسین علی گردان»، «یا حسین مظلوم»، بسمله (فقط در پارچه منوچهری)	۱۱
خانه منوچهری کاشان	۴۹۱×۹۰				
نامعلوم	۵۲×۵۲				
موزه طراحی رود آیلند	طول: ۳۵۳	-	-	«یا الله یا محمد یا علی»، «إنا فتحنا...»، «ای یادگار حیدر کرار یا حسین».	۱۲
موزه ملی ایران	-	-	-	بسمله، «نصر من الله...»، «إنا فتحنا...»، «یا حسین شهید»، «یا امام حسین شهید».	۱۳

۴. نتیجه پژوهش

بافت پارچه‌های ابریشمی با کتیبه‌های عاشورایی بیشتر با توسعه شگرف عزاداری‌های محرم، ساخت حسینی‌ها و ایجاد موقوفات برای آیین‌های محرم در دوره سلطان حسین، یعنی نیمه اول قرن دوازدهم و آخر کار صفویان مقارن است. منسوجات ابریشمی بافته‌شده که محتوای قرآنی و اسلامی دارند، از اوایل دوره صفوی دارای محتوایی اسلامی- شیعی شد. از میان پارچه‌هایی که نگارندگان با جست‌وجوی گسترده به آن دسترسی یافته‌اند، ظاهراً از سده دهم بافت این پارچه‌ها معمول بوده است. در سده یازدهم رفته‌رفته آنها تغییر محتوایی داده و کتیبه‌های قرآنی و شیعی در صورت علم یا شده ظاهر شده که در اوایل قرن دوازدهم با توسعه عزاداری‌ها از سوی سلطان حسین، این پارچه‌ها به‌طور مستقیم دارای مضامین عاشورایی شده‌اند و به‌شکل وسیعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به‌لحاظ شخص محوری در

کتیبه‌های این دوره، توجه از امام علی(ع) به امام حسین(ع) معطوف شده که نقطه عطفی در تاریخ فرهنگ شیعه به‌شمار می‌آید.

هم‌زمانی این پارچه‌ها با تاریخ توسعه عزاداری‌های حسینی نشان می‌دهد که واقفان و آیین‌گزاران به‌بافت و تولید این پارچه‌ها و در نتیجه توسعه صنعت ابریشم‌بافی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در اوایل دوره صفوی از پارچه‌های زربفت برای صندوق‌پوش مزار امام رضا(ع) استفاده شده است، اما با توجه به اسناد مکتوب و تصاویر نگارگری، به‌نظر می‌رسد کاربرد اصلی این پارچه‌ها به آیین‌های سوگ مربوط بوده و ممکن است از همین مسیر به آیین‌های سوگ شیعی راه یافته باشد؛ بنابراین با توجه به محتوای کتیبه‌ها و شواهد دیگر، کاربرد علم، به‌ویژه علم عزا برای بیشتر این پارچه‌ها مسلم است.

با توجه به متون وقف‌نامه این منسوجات، نام هنرمندان و پسوند اسمی آنان که روی نمونه‌ها ثبت شده، با قاطعیت می‌توان گفت که این پارچه‌ها به‌طورعموم از هنرمندان کاشانی است و به‌طبع باید محل بافت بیشتر آنها کاشان باشد. متون تاریخی بی‌شماری نیز به وجود هزاران کارگاه نساجی در کاشان و حومه آن گواهی داده‌اند.

منابع

- ابن قولویه قمی، ابوالقاسم جعفر بن محمد (۱۳۹۷). کامل الزیارات. ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی. قم: پیام حق.
- احمدی، زهت (۱۳۸۵). کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی دوره صفوی. پژوهش‌های تاریخی، ۱، ۷-۲۶.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه. ترجمه ابوتراب نوری. تصحیح حمید شیرانی. تهران: سنایی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۳). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حسینی‌راد، عبدالمجید (ویراستار) (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: موزه هنرهای معاصر.
- دانش‌یزدی، فاطمه (۱۳۸۷). کتیبه‌های اسلامی شهر یزد. تهران: سبحان نور و پایگاه میراث فرهنگی یزد.
- دلاواله، پترو (۱۳۷۰). سفرنامه. ترجمه شجاع‌الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۸). لغت‌نامه: زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامه.
- عمادزاده، حسین (۱۳۶۰). زندگانی حضرت امام علی ابن موسی الرضا(ع). ج ۲. تهران: گنجینه.
- غیاثیان، محمدرضا (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر شناخت چیت‌سازی کاشان با تکیه بر یک سند نویافته. پژوهش هنر، ۲۰، ۱۳-۲۸.
- غیاثیان، محمدرضا و ندا اسدی‌چیمه (۱۳۹۹). محمدطاهر نقاش کاشانی، شاعر ذوفنون دوره صفوی. کاشان‌شناسی، ۲۵، ۳-۳۰.
- فیگوتروآ، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه غلامرضا سمعی. تهران: نشر نو.
- کاشانی، محمدشریف (۱۳۹۴). تاریخ کشیک خانه همایون. تصحیح و تحقیق اصغر دادبه و مهدی صدری. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهاناداری. تهران: خوارزمی.
- محسنی، زهرا (۱۳۹۳). شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: ضریح‌پوش‌ها و صندوق‌ها. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۸۹). بررسی کتیبه‌های توغ‌های عزاداری در ایران عصر صفوی. تاریخ و تمدن اسلامی، ۱۳، ۱۳۱-۱۵۵.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۳۹۵). چهل‌گیس در فرهنگ سوگ شیعی. ویراستار محسن حسام‌مظاہری. تهران: خیمه.
- مشهدی نوش‌آبادی، محمد (۱۴۰۱). اولین حسینیه‌های ایران بر پایه الواح وقفی. پژوهش‌های علوم تاریخی، ۳۲، ۲۲-۴۳.
- مظاہری، محسن حسام (۱۳۹۷). تراژدی جهان اسلام: عزاداری شیعیان به‌روایت سفرنامه‌نویسان، مستشرقان و ایران‌شناسان (از صفویه تا جمهوری اسلامی). ج ۱. اصفهان: آرما.
- مهرابی، فاطمه و بهروز عوض‌پور (۱۳۹۸). تحلیل رنگ‌های یک مقبره‌پوش دوره صفوی با تکیه بر آراء علاء‌الدوله سمنانی. ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۵۷، ۲۴۱-۲۷۲.
- Ackerman, Phyllis (1977). "Textiles of the Islamic Periods: A. History." In *A Survey of Persian Art: From Prehistoric Times to the Present*, Vol. 11, ed. Arthur Upham Pope. Tehran: Soroush. 1995-2162.

- Ağa-Oğlu, Mehmet (1941). *Safawid Rugs and Textiles the Collection of the Shrine of Imām 'Alī at al-Najaf*. New York: Columbia University.
- Canby, Sheila R. (2009). *Shah 'Abbas: The Remaking of Iran*. London: British Museum.
- Christie's (2008). *Art of the Islamic and Indian Worlds, Tuesday 8 April 2008*. London: Christie's.
- Christie's (2013). *Art of the Islamic and Indian Worlds, Tuesday 25 April 2013*. London: Christie's.
- Christie's (2013). *The Saeed Motamed Collection – Part II*. London: 7 October 2013. www.christies.com/lot/a-study-collection-of-textiles-mostly-safavid-5721500/?intobjectid=5721500&lid=1 (accessed July 22, 2023).
- Christie's (2014). *Art of the Islamic and Indian Worlds, Including a Private Collection Donated to Benefit the University of Oxford, Part V. Thursday 10 April 2014*. London: Christie's.
- Christie's (2022). *Art of the Islamic and Indian Worlds including Oriental Rugs and Carpets, 27 October 2022*. London: Christie's.
- Denny, Walter B. (1974). "A Group of Silk Islamic Banners." *Textile Museum Journal* 4, no. 1: 67-81.
- Folsach, Kjeld von (2001). *Art from the World of Islam in the David Collection*. Copenhagen: The David Collection.
- Folsach, Kjeld von and Anne-Marie Keblow Bernsted (1993). *Woven Treasures: Textiles from the World of Islam*. Copenhagen: The David Collection.
- Mackie, Louise W. (2015). *Symbols of Power: Luxury Textiles from Islamic Lands, 7th-21st Century*. Cleveland, Ohio: The Cleveland Museum of Art.
- Melikian-Chirvani, A. S. (1988). "Banners", In *Encyclopaedia Iranica*, Vol. III, Fasc. 7, 712-714, available online at: www.iranicaonline.org/articles/banners-alam-derafs (accessed July 22, 2023).
- Piotrovsky, Mikhail B. (2000). *Art of Islam: Earthly Beauty, Heavenly Art*. Amsterdam: De Nieuwe Kerk.
- Rice, David Talbot (1976). *The Illustrations to the "World History" of Rashīd al-Dīn*. Edinburgh: Edinburgh University.
- Sotheby's (2009). *Arts of the Islamic World: Including Fine Carpets and Textiles, London, 1 April 2009*. London: Sotheby's.
- Sotheby's (2010). *Arts of the Islamic World: Including Fine Carpets and Textiles, London, 6 October 2010*. London: Sotheby's.
- Welch, Anthony (1979). *Calligraphy in the Arts of the Muslim World*. Folkestone: Dawson.
- Welch, Stuart Cary (1976). *A King's Book of Kings: The Shahnameh of Shah Tahmasp*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- URL 1: <https://www.artfund.org/supporting-museums/art-weve-helped-buy/artwork/9207/tomb-cloth> (accessed July 22, 2023).
- URL 2: www.christies.com/en/lot/lot-6393317 (accessed July 22, 2023).
- URL 3: <https://risdmuseum.org/art-design/collection/tomb-cover-55536> (accessed July 22, 2023).